متهم ردیف اول سرقت صندوق امانات بانک ملی:

با یک ضربه چکش در صندوق‌ها را باز کردم

گروه حوادث-کامران علمدهی/ متهمان سرقت صندوق امانات بانک ملی در پایتخت پس از گذشت حدود ۲ سال از این سرقت، پای میز محاکمه ایستادند.

به گزارش «ایران»، با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست برای متهمان سرقت از صندوق امانات بانک ملی شعبه دانشگاه که در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۴۰۱ رخ داد و میلیاردها تومان پول و طلا و جواهرات و ارز از ۱۵۵ صندوق امانت‌گذاران به سرقت رفت، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

صبح دیروز در ابتدای جلسه یکی از شاکی‌های پرونده اظهار داشت که هنوز ۳ میلیارد از اموالم به من باز گردانده نشده و تعیین تکلیف هم نشده است.

پس از آن متهم ردیف اول که به شرکت در سرقت حدی از بانک ملی و بانک تجارت، سرقت اموال، از کار انداختن اموال عمومی، معامله اموال مسروقه، شروع به پولشویی، پولشویی و شرب خمر متهم شده، به جایگاه رفت و با تشریح جزئیات سرقت از صندوق امانات بانک ملی به قضات گفت: من منکر سرقت از بانک ملی نیستم و قبول دارم که بخشی از اموال صندوق امانات را هم برداشته‌ام اما مابقی اتهام‌ها را قبول ندارم.

قاضی از متهم پرسید: فکر سرقت و برنامه‌ریزی آن از چه زمانی آغاز شد؟

متهم پاسخ داد: یک ماه بعد از سرقت از بانک تجارت که جزئیات آن را بعداً توضیح خواهم داد، یک کار بانکی در بانک ملی شعبه دانشگاه پیش آمد. در انتظار رسیدن نوبتم بودم که چشمم به تابلو صندوق امانات افتاد. از آنجا که مشکلات اقتصادی عدیده‌ای داشتم و به دنبال راه حلی بودم، به یکباره به نظرم رسید که با کارمند شعبه صحبت کنم. حدوداً یک ربع با آن شخص صحبت کردم و او ناخواسته اطلاعات زیادی در اختیارم گذاشت.

قاضی سؤال کرد: مثلاً چه اطلاعاتی؟

متهم گفت: اینکه ما صندوق امانات قدیمی داشتیم و صندوق‌های جدیدی را در زیرزمین درست کرده‌ایم تا ظرفیت‌مان را افزایش دهیم. بعد من در مورد امنیت صندوق‌ها پرسیدم که کارمند شعبه به من اطمینان داد و گفت که قفل‌ها مربوط به شرکت معتبری است و به صورت دیجیتال کار می‌کند تا امنیت اموال مشتری‌هایمان را بالا ببریم. باز کردن صندوق‌هایی با این نشانی، کار سخت و پیچیده‌ای نبود چون معمولاً در ایران شرکت‌های سازنده، سری‌کار هستند و آشکال برش خورده انواع گاوصندوق‌ها و نوع قفل‌های بکار رفته در آن در اغلب نمایندگی‌هایشان در معرض دید عموم قرار داده شده است. این اطلاعات و سطح امنیتی پایین بانک سبب شد تا همان لحظه جرقه سرقت از صندوق امانات در ذهنم زده شود.

قاضی پرسید: نگران نگهبان بانک نبودید؟

متهم جواب داد: اتفاقاً وقتی داشتم از روی صندلی‌ام بلند می‌شدم که بروم، صدای موزیکی را شنیدم و به کارمند بانک به شوخی گفتم: سرایدار صدای موسیقی را بلند کرده، اگر سارقی بخواهد وارد بانک شود که متوجه حضور او نمی‌شوید. کارمند شعبه گفت ما نه سرایدار داریم و نه نگهبان. ما سیستم امنیتی داریم و از اموال شما محافظت می‌کنیم. اصلاً شرکت‌های بیمه با حضور افراد خارج از ساعت اداری در محل بانک موافق نیستند.

قاضی گفت: شما هم از همان موقع شروع به برنامه‌ریزی و نقشه برای ورود به محل صندوق‌ها کردید؟

متهم گفت: نیازی به برنامه‌ریزی و نقشه و سناریو نبود؛ آژیر خطر و دوربین‌های مداربسته و قفل درها می‌ماند که رد شدن از سد آن هم نیاز به برنامه‌ریزی عجیب و غریبی نداشت و خیلی راحت می‌شد از سد آنها گذشت. من دوران سربازی‌ام در کلانتری بود و می‌دانستم که اگر پیام هشداری از بانک‌ها و طلافروشی‌ها به کلانتری‌ها ارسال شود، معمولاً به خاطر اشکالات سیستمی چندان جدی گرفته نمی‌شوند. اگر قرار باشد با هر هشداری مأموران به سرعت راهی محل شوند که مدام باید در حال رفت و آمد به بانک‌ها و طلافروشی‌ها باشند. بعد از آن نقشه هوایی بانک را پیدا کردم و متوجه شدم که صندوق‌ها در یک چهاردیواری قرار دارد و تنها یک راه ورودی دارد.

وی اضافه کرد: چند هفته‌ای گذشت و یک شب من و دوستم بهروز در خانه تنها بودیم. از سر مشکلات اقتصادی و فشار طلبکارها، ماجرا را برای بهروز تعریف کردم و در یک جمله به او گفتم بیا برویم صندوق امانات بانک را سرقت کنیم و بهروز هم بدون هیچ تردیدی پذیرفت. پس از آن وسایل‌مان را آماده کردیم و به برادرهایم حمید و محمود زنگ زدم و از آنها خواستم تا من و بهروز را برسانند. آنها می‌دانستند ما می‌خواهیم از جایی سرقت کنیم اما نمی‌دانستند قرار است از بانک ملی سرقت کنیم. من هم نمی‌خواستم پای آنها در پرونده باز شود و به همین خاطر برایشان توضیح ندادم.

قاضی پرسید: وسایل‌تان چه بود؟

متهم ردیف اول گفت: کپسول هوابُرش، دیلم، انبر، سیم‌چین و... که در دو کوله جاسازی کردیم. بعد برادرانم آمدند و ما را به نزدیکی محل رساندند و یک تلفن همراه به آنها دادم و گفتم وقتی تماس گرفتم، دنبال‌مان بیایید. پس از آن، من و بهروز از در پارکینگ وارد رمپ شدیم. بلافاصله سیم تلفن را قیچی کردم و فیش دوربین‌ها را درآوردم و به راه پله‌ها رسیدیم. درها باز بود و هیچ قفلی هم روی درها نبود که بخواهیم آن را تخریب کنیم. بعد هم بلندگوی آژیر خطر را قطع کردم و سیم باتری زاپاس آن را هم بیرون آوردم و ظرف ۵ دقیقه دزدگیر خاموش شد. تقریباً دو ساعتی پشت در پارکینگ منتظر ماندیم تا اگر پلیس یا مأموری متوجه قطع شدن دزدگیرها شد و به سراغ‌مان آمد، بتوانیم فرار کنیم. وقتی کسی نیامد، دنبال تابلوهای راهنما را گرفتیم و به سالن صندوق‌ها رسیدیم. در آن بزرگ و آهنی بود و من پنجره نظارت آن را برش دادم و وارد شدم. ابتدا با چکش ضربه‌ای به یکی از صندوق‌ها زدم که در آن براحتی باز شد و به سرعت به سراغ صندوق‌های دیگر رفتم و هر کدام را با یک ضربه چکش باز می‌کردم.

متهم اضافه کرد: نمی‌دانم چند صندوق را باز کرده بودم اما ابزارهای بزرگ را در همانجا گذاشتم و فقط یک کیف کوچک ابزار را به خاطر اثر انگشتم برداشتم. داخل کوله‌ها را از سکه و ارز پر کردم؛ تقریباً ساعت ۸/۵ الی ۹ صبح روز تعطیل بود که کارمان تمام شد و می‌خواستیم از محل خارج شویم که دیدیم خیابان انقلاب شلوغ است. ظاهراً یک مراسم برگزار می‌شد و مجبور شدیم در داخل بانک منتظر بمانیم تا خلوت شود. حدود ساعت ۲ بود که به برادرم زنگ زدم و آنها به سراغ‌مان آمدند.

قاضی در مورد سرقت از بانک تجارت هم توضیح خواست که متهم گفت: یک ماه قبل از این سرقت با بهروز وارد بانک تجارت شدیم اما چون حال‌مان خوب نبود و تب داشتیم، قرص زیادی خورده بودیم و حال‌مان بد شد. دو ساعتی آنجا خوابیدیم و بعد بدون اینکه سرقت کنیم، فقط dvr بانک را برداشتیم تا شناسایی نشویم.

متهم در ادامه گفت: بعد از سرقت به ترکیه فرار کردیم اما متوجه شدم برادرهایم را دستگیر کرده‌اند. ما هرچه را که سرقت کرده بودیم، برگرداندیم.

قاضی پرسید: چه مقدار از اموال سرقتی را به دوستت دادی؟

متهم گفت: ۲۰ میلیارد تومان سکه و دلار به بهروز دادم و هزار و ۲۰۰ سکه تمام بهار آزادی و ۴۰۰ هزار دلار را به صورت باندرول به رسم امانت به دوستم اکبر که نمایشگاه خودرو دارد دادم و گفتم من ۱۰ روزی به ترکیه می‌روم و اگر نیاز داشتم، می‌گویم برایم حواله کن. بدهی‌ام را هم به اکبر دادم و ارزهای خرده ریز را هم فروختم و بلیت گرفتم.

قاضی پرسید: شما از اکبر پیش از رفتن به ترکیه دو ماشین گرفتید. آنها را خریده بودی؟

متهم گفت: یک خودروی پاسات از اکبر قرض گرفتم تا کارهایم را انجام دهم و یک روز بعد هم یک خودروی اپتیما گرفتم تا زیر پای برادرم باشد اما آنها امانت بود و من آنها را نخریده بودم.

در ادامه بهروز به جایگاه رفت و ضمن تأیید اظهارات همدستش گفت: من همه حرف‌های دوستم را قبول دارم. ما سرقت کردیم اما نه مست بودیم و نه جایی را تخریب کردیم. من مشکلات روانی دارم و به افسردگی مبتلا هستم و به همین خاطر هم از سربازی معاف شده‌ام. به همین خاطر فکر سرقت حس سرخوشی به من می‌داد و خوشحالم می‌کرد. وقتی فهمیدم قرار است برای سرقت برویم روحیه ام خوب شد.

قاضی از بهروز پرسید: ۲۰ میلیارد تومان را چکار کردی؟

متهم جواب داد: به چند نفری از جمله پدرم بدهکار بودم و بدهی‌هایم را دادم. البته پول زیادی نصیبم شده بود و انتظار چنین پولی را نداشتم. بعد از آن هم ۵۰۰ هزار دلار و ۲۰ هزار یورو پول به یکی از اقوامم دادم تا برایم ملک بخرد اما او یک روز بعد زنگ زد و گفت که نمی‌تواند مسئولیت آن را قبول کند و من هم گفتم پول‌ها را به عمه‌ام بدهد.

قاضی پرسید: به عمه‌ات چقدر اعتماد داشتی؟

بهروز گفت: بعد از مرگ مادرم، من پیش عمه‌ام بزرگ شدم و او برایم کاملاً قابل اعتماد بود.

در ادامه حمید و محمود هم یک به یک به جایگاه رفتند و با تأیید اظهارات برادرشان و بهروز، مدعی شدند نه در جریان سرقت از بانک ملی بودند و نه نقشی در آن داشتند. پس از آن اکبر که با قید وثیقه آزاد بود، به جایگاه رفت و گفت: من در خانه بودم که متهم ردیف اول به من زنگ زد و از من خواست به مغازه بروم تا بدهی یک و نیم میلیاردی‌ام را بدهد. وقتی او به مغازه‌ام آمد، ابتدا پولم را داد و بعد هزار و ۲۰۰ سکه و ۴۰۰ هزار دلار را داد و گفت من به چند نفری بدهی دارم و می‌خواهم تو بدهی‌هایم را پرداخت کنی. از آنجا که در بازار و کسب و کار ما این رویه مرسوم است و برخی بدهکاران یک واسطه را معرفی می‌کنند، من هم پذیرفتم و به او رسید پولش را دادم اما نمی‌دانستم که پول‌ها سرقتی است. ما قبلاً با هم در زمینه خرید و فروش خودرو معامله داشتیم. او فرد متمولی بود اما مدتی به مشکل خورده بود. به همین خاطر به او اعتماد داشتم و دو ماشین را به رسم امانت به او دادم و حتی رسید هم گرفتم.

بعد از اظهارات اکبر، عمه بهروز به جایگاه رفت و گفت: بخشی از دلارهایی را که بهروز به من داده بود به ریال تبدیل کردم اما نمی‌دانستم که آن پول سرقتی است. چون بهروز در کار خرید و فروش خودرو بود و برایم عجیب نبود که پول زیادی داشته باشد. او ۲۰۰ میلیون تومان به صورت دلار به من داد و کیفی با ۷۵۰ سکه بهار آزادی که گفت متعلق به یکی از دوستانم است. من اتهام پولشویی را قبول ندارم.

سپس پدر بهروز به جایگاه رفت و گفت: من نمی‌دانستم پول‌ها سرقتی است. چون پسرم به من بدهکار بود، فکر کردم کار کرده و پولم را پس داده است.

قاضی پرسید: وقتی پول و سکه‌ها را دیدی، تعجب نکردی؟

پدر بهروز گفت: چرا اما بهروز در توضیح به من گفت در سایت شرط بندی فوتبالی برنده شدم و این پول‌ها بخشی از جایزه‌ام است و بخش دیگرش را باید در ترکیه تحویل بگیرم و وقتی هم به ترکیه رفت، تازه ماجرای سرقت را فهمیدم.

در ادامه این جلسه سایر متهمان هم به جایگاه رفتند و اظهار کردند از ماجرای سرقت و پول‌هایی که به آنها سپرده شده بود اطلاعی نداشتند.

نماینده بانک ملی نیز با حضور در جایگاه اظهار داشت نکته مهمی که باید بگویم این است که همکاران ما در هیچ کدام از شعب بانک هیچ اطلاعات محرمانه ای در مورد مسائل امنیتی بانک به مشتری ها نمی دهند. مورد بعد اینکه مبلغ ۲۲۸ میلیارد تومان از اموال سرقتی هنوز به بانک برنگشته است و خواهان تعیین تکلیف این موضوع هستیم. همچنین هنوز ۲ کیلو گرم طلای مکشوفه نزد بانک مانده است که هیچکدام از مالباخته‌ها مالکیت آن را تأیید نکرده‌اند.

با پایان جلسه دادگاه، قضات برای صدور رأی وارد شور شد ند .

نجات از قصاص با رضایت پدربزرگ ها

گروه حوادث: مرد طلبکار که در اقدامی جنون‌آمیز همسر و دختر ۲ ساله‌اش را کشته بود با رضایت پدربزرگ‌ها از قصاص رهایی یافت و تنها از جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، شهریور سال گذشته گزارش قتل یک مادر و دختر ۲ ساله‌اش در خانه‌ای واقع در ورامین به پلیس اعلام شد. در نخستین گام از تحقیقات با بررسی فیلم دوربین‌های مداربسته محل مشخص شد شوهر زن جوان آخرین کسی بوده که از خانه‌اش خارج شده است بنابراین مرد جوان دستگیر شد و خیلی زود به قتل همسر و دخترش اعتراف کرد.

وقتی متهم در دادگاه پای میز محاکمه ایستاد گفت: همسرم دختر عمویم هم بود یک سال قبل از قتل پولی به برادرزنم قرض دادم و قرار شد دوماه بعد آن را برگرداند. اما هربار بهانه‌ای می‌آورد و برای پس دادن بدهی‌اش مدام امروز و فردا می‌کرد. همین موضوع باعث شده بود بین من و همسرم هم اختلاف شدیدی به وجود آید همسرم همیشه طرف برادرش را می‌گرفت و به من می‌گفت حق نداری به او توهین کنی. روز حادثه وقتی به خانه رفتم سر همین موضوع دوباره با هم دعوا کردیم و او با من قهر کرد. چند ساعت بعد از او خواستم برایم آب و چای بیاورد اما توجهی نکرد من که اعصابم به هم ریخته بود از کوره در رفتم و به سمتش حمله کردم و بعد هم با کارد آشپزخانه چند ضربه به شکم، پهلو و گردنش زدم. همان موقع فرزند دو ساله‌ام از خواب بیدار شد و شروع به گریه کرد. از شدت ناراحتی دیوانه شده بودم برای اینکه صدایش را قطع کنم یک ضربه هم به او زدم و بعد هم دخترم را کشتم نمی‌دانستم چه کار می‌کنم با عجله فرش خانه را روی جسد آنها انداختم و از خانه خارج شدم. وقتی قاضی از متهم پرسید چرا دخترت را کشتی گفت: چون دیگر مادر نداشت و من هم به زندان می‌افتادم بنابراین نمی‌خواستم او زیر دست خانواده مادرش بزرگ شود. با توجه به حرف‌های متهم قضات او را برای تأیید سلامت عقلی به کمیسیون پزشکی قانونی معرفی کردند. وقتی کارشناسان پزشکی قانونی سلامت روانی وی را تأیید کرده و اعلام کردند این مرد هنگام ارتکاب جرم جنون نداشته است وی بار دیگر در شعبه ۱۳دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد. اما قبل از این جلسه دادگاه توانست رضایت پدر زنش را که عمویش بود جلب کند. پدر متهم نیز که به عنوان ولی دم نوه‌اش محسوب می‌شد بابت نوه‌اش رضایت بی‌قید و شرط خود را اعلام کرده بود. به این ترتیب متهم از جنبه عمومی جرم از خود دفاع کرد.

در جلسه دادگاه

در این جلسه متهم گفت: من قبل از درگیری با همسرم قرص مصرف کرده بودم و حال طبیعی نداشتم. باور کنید تحت تأثیر مصرف قرص همسرم را کشتم. خودم هم نمی‌دانم چرا فرزندم را کشتم و حالا پشیمان هستم. می‌دانم اشتباه کرده‌ام و از قضات دادگاه طلب بخشش دارم. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا برای متهم رأی صادر کنند.

حوادث جهان

نوار نقاله فرودگاه شیکاگو، جان یک زن را گرفت

یک زن پس از گیر افتادن در نوار نقاله چمدان‌ها در فرودگاه بین‌المللی «اوهرِ» شیکاگو جانش را از دست داد.

به گزارش بی‌بی‌سی، سخنگوی اداره آتش‌نشانی شیکاگو به رسانه‌های محلی گفت: جسد این زن ۵۷ ساله که کارمند فرودگاه نبوده، روی نوار نقاله‌ای که برای جابه‌جایی چمدان‌ها استفاده می‌شود در بخش بار ترمینال ۵، مخصوص پروازهای بین‌المللی، کشف شد.

بنابر این گزارش، تصاویر دوربین‌های امنیتی نشان می‌دهد که این زن حدود ساعت ۲:۳۰ بامداد وارد منطقه‌ای محدود و خالی در فرودگاه شده بود. این ناحیه جزو مناطق با امنیت بالا نبوده و ورود به آن نقض پروتکل‌های امنیتی تلقی نمی‌شد.

پلیس شیکاگو در حال بررسی علت مرگ این زن و منتظر نتایج کالبدشکافی است.

آتش‌سوزی‌های جنگلی در یونان

مقامات محیط زیستی یونان می‌گویند بیش از ۲۰۰۰ آتش‌سوزی طبیعی در سراسر این کشور طی تابستان امسال رخ داده و علت افزایش این حریق‌ها، افزایش دمای غیرمعمول عنوان شده است.

به گزارش یورونیوز، مقامات محلی اعلام کرده‌اند آتش‌سوزی‌های جنگلی در مناطق مختلف جزیره «کرت» یونان پس از چهار روز هنوز مهار نشده است.

مقامات یونان روز پنجشنبه نیروهای بیشتری را به جزیره کرت جنوبی اعزام کردند، جایی که ۲۵۰ آتش‌نشان با آتش‌سوزی که به تخلیه هشت روستا در مناطق کوهستانی منجر شد، مقابله کردند.

وزش بادهای شدید که پیوسته تغییر جهت می‌دهند، مانع از اطفای حریق می‌شود. آتش‌نشانان و تیم‌های امدادی از شهرهای مختلف یونان به ویژه آتن به جزیره کرت اعزام شدند.

سقوط هواپیمای مسافربری در برزیل

مقامات برزیلی از سقوط هواپیمای مسافربری با ۶۲ سرنشین خبر دادند.

به گزارش سی ان ان، براساس اطلاعات سامانه فلایت رادار ۲۴، این هواپیما که متعلق به شرکت هواپیمایی ووئه پاس برزیل است، پس از برخاستن از فرودگاه کاسکاول در ایالت پارانا به سمت گوارولوس در ایالت سائوپائلو در حرکت بود که اندکی قبل از ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه جمعه (به وقت محلی) سیگنال خود را از دست داد. مقامات برزیلی اعلام کردند که هیچ سرنشینی از حادثه سقوط هواپیمای مسافربری که در نزدیکی سائوپائولو رخ داد، جان سالم به در نبرد.

شرکت هواپیمایی که این پرواز را انجام می‌داد، اعلام کرد که علت حادثه هنوز مشخص نیست.

هواپیمای پرواز ۲۲۸۳ در شهر وینهیدو سقوط کرد و برخوردی با ساختمان‌ها نداشته است.

۵ کشته بر اثر واژگونی قایق در شمال نیجریه

پس از واژگونی یک قایق چوبی در روستایی در ایالت جیگاوا در شمال نیجریه، حداقل ۵ جسد پیدا شد و ۱۵ تن دیگر ناپدید شدند.

به گزارش الجزیره، لاوان شیسو، سخنگوی پلیس جیگاوا در بیانیه‌ای اعلام کرد: قایق حامل حداقل ۲۰ مسافر و خدمه هنگام عبور از رودخانه گامودا در روستای ناهوسه در منطقه دولت محلی تائورا واژگون شد.

شیسو گفت که پلیس دریایی مأموریت جست‌وجو را برای نجات ۱۵ مسافر و خدمه ناپدید شده تشدید کرده است.

تصادفات قایق اغلب در این کشور غرب آفریقا گزارش می‌شود و معمولاً ناشی از عواملی مانند اضافه بار، شرایط آب و هوایی نامطلوب و خطاهای عملیاتی است.

سقوط هواپیما در شیلی با ۷ کشته

اداره کل هوانوردی غیرنظامی شیلی در بیانیه‌ای اعلام کرد که بر اثر سقوط یک هواپیمای کوچک در جنوب این کشور هر هفت سرنشین آن جان خود را از دست دادند.

به گزارش رویترز، در بیانیه اداره کل هوانوردی غیرنظامی شیلی، آمده است: هواپیمای پایپر ناواهو اندکی پس از برخاستن از فرودگاهی در شهر کویهایک واقع در فاصله یک هزار و ۷۰۰ کیلومتری جنوب سانتیاگو در ساعت ۹ و ۱۳ دقیقه روز جمعه (به وقت محلی) سیگنال خود را از دست داد.

اداره کل هوانوردی غیرنظامی شیلی در این بیانیه بدون اشاره به علت سقوط هواپیمای پایپر ناواهو اعلام کرد: هر هفت سرنشین این هواپیمای کوچک شامل خلبان و ۶ مسافر در این حادثه جان خود را از دست داده‌اند.

در بیانیه اداره کل هوانوردی غیرنظامی شیلی، آمده است: به دلیل شرایط سخت آب و هوایی در منطقه کوهستانی محل سقوط این هواپیما، مشخص نیست که چه زمانی اقدام برای یافتن اجساد قربانیان این حادثه آغاز خواهد شد.

رودریگو آرایا نماینده دفتر ریاست جمهوری شیلی در منطقه وقوع این سانحه به خبرنگاران گفت که به دادستانی و خدمات پزشکی قانونی دستور داده است تا تحقیقات در مورد این حادثه را آغاز کنند.

آوارگی صدها نفر با شکستن ۳ سد در آفریقای جنوبی

صدها نفر پس از فروریختن سدهای نگهدارنده که باعث جاری شدن سیل و تخریب خانه‌ها در استان کیپ در جنوب غربی آفریقای جنوبی شد، آواره شده‌اند.

به گزارش الجزیره، این حادثه در نزدیکی شهر مالمزبری در سوارتلند، در شمال کیپ تاون، پایتخت آفریقای جنوبی رخ داد.

بر اساس بیانیه شهرداری سوارتلند، علت این حادثه شکست سه سد در ملکی به نام داسنبرگ بود که باعث جاری شدن سیل شدید در بخش‌هایی از ریورلندز، خارج از مالمزبری شد.

شهرداری سوارتلند گفت که سیل خسارت شدید مالی و زیرساختی به منطقه آسیب دیده وارد کرده و شبکه آب و منبع آب تخریب شده و شهر بدون آب آشامیدنی باقی مانده است.

بر اساس این بیانیه، در مجموع ۱۴ نفر با جراحات جزئی به بیمارستان منتقل شدند. ۴۴۴ نفر از حمایت‌های بشردوستانه برخوردار شدند و ۲۲۴ نفر در یک کلیسای محلی و یک مرکز اجتماعی اسکان داده شد ند .